

گذر از دوره کووید ۱۹ با برخورد حرفه ای

مصاحبه با الکساندر گورباچوک، مربی تیم طلایی ایه آقايان المپیک ۲۰۲۰

بخش سوم

ترجمه: عباسعلی فاریابی

رساندن یک تیم به بالاترین سطح شمشیربازی، کاری است همراه با تصمیمات سخت، ساعات طولانی کار و فداکاری بسیار از طرف همه افراد درگیر می باشد. رسیدن به هدف مستلزم تلاش تیمی است و به یک مربی شمشیربازی با بینشی مانند الکساندر گورباچوک نیاز دارد.



گورباچوک که اصالتاً اهل اوکراین است، اکنون دوازده سال است که رهبری تیم شمشیربازی مردان ژاپن را به عهده گرفته است، اما او همیشه نگاهی به آینده دارد. حتی پس از پیروزی تیمش در بزرگ ترین صحنه ورزشی جهان، او به اتفاقات بعدی ژاپن و شمشیربازی توجه دقیق دارد.

اخلاق کاری سخت گیرانه او و درک لایه ای از فرهنگ های درهم تنیده شمشیربازی در سراسر جهان به او کمک کرده است تا تیم ایه ژاپن را تا رسیدن به مدال طلای المپیک ۲۰۲۰ توکیو هدایت کند. پل زدن بر موانع فرهنگی مانند پیاده روی در پارک نیست، اما پس از بیش از یک دهه سرمایه گذاری در تیم ایه ژاپن، گورباچوک راهی برای نمایش بهترین شمشیربازان خود پیدا کرده است. در این مقاله، او بینش قابل توجهی از نحوه عملکرد شمشیربازی در ژاپن، از شیوه تعامل سلاح های مختلف گرفته تا نحوه حمایت از ورزشکاران در طول دوران حرفه ای شمشیربازی خود و آنچه بعد از آن اتفاق می افتد، به ما می دهد.

پر واضح است که الکساندر گورباچوک معدن عمیقی از دانش شمشیربازی است، اما او همچنین مربی ای هست که با همکاران و ورزشکارانش در حدی که هستند برخورد می کند. و هرگاه با آنها برخورد می کند، تلاش می کند تا سطح آنها را ارتقا بدهد.

روش های تحول آفرین مربیگری او در این سری از مصاحبه ها به نمایش گذاشته شده است. در بخش ۱، او تجربه خود را در شکل دادن یک تیم پیشروی المپیک را به اشتراک گذاشت. سپس در بخش ۲، او به ما نشان داد که انجام کار چالش برانگیز در زمینه تلاقی فرهنگ ها در ورزش به چه معناست. سرانجام اینجا و در بخش ۳، گورباچوک بینشی در مورد ادامه آموزش در دوره کووید و مسیر پیش رو به ما می دهد.

قسمت سوم مصاحبه ما با الکساندر گورباچوک، مربی طلایی المپیک

کووید چگونه بر آمادگی برای المپیک تأثیر گذاشت؟ باید بر چه چیزی غلبه می کردید؟

من باید یک چیز بسیار مهم را در اینجا به شما بگویم - روند آماده سازی برای المپیک در طول همه گیری بسیار دشوار بود. در ژاپن، قوانین سختگیرانه ای در مورد ورزش و تمرین در ارتباط با کووید به تصویب رسید. تقریباً یک سال به ما اجازه تمرین ندادند. سپس در نهایت به ما مجوز دادند یک ساعت در روز تمرین کنیم. فقط یک ساعت! سپس آن را به دو ساعت افزایش دادند. بعد آمدند پیش ما و گفتند: "بچه ها، یک ماه است که پیشرفتی نکرده اید. شما تمرین نکرده اید!" من عصبانی شدم. به آنها گفتم: "با این شرایط چطور می توانیم کاری انجام دهیم؟! چگونه برای المپیک آماده شویم؟! من می دانم که در اوکراین در حال تمرین هستید. روسیه در حال تمرین است. همه جا بازیکنان در حال تمرین هستند، اما شما اصلاً به ما اجازه تمرین نمی دهید! به زودی المپیک را در خانه خواهیم داشت، در ژاپن! ما باید آماده شویم. ما باید تمرین کنیم!"

من با مربیانم صحبت کردم و به آنها گفتم: "بیایید! جایی در یک دانشگاه، در یک دبیرستان، جایی در یک جا پیدا کنیم و مسیری برای یک برنامه ایجاد کنیم. ما باید کاری بکنیم."

صادقانه بگویم، ما به صورت مخفیانه از فدراسیون با به عهده گرفتن خطر و ریسک آن از زوایای مختلف تمرین کردیم. فدراسیون مقرر کرد کسانی که در ارتش خدمت می کردند در ارتش آموزش ببینند. کسانی که در دانشگاه تحصیل می کنند در دانشگاه آموزش ببینند. در مورد تمرینات تیمی چطور؟ پرسیدم: "کانو که تنه است، کجا تمرین کند؟ اواما که تنه است و توسط میتسوبیشی حمایت می شود، کجا آموزش ببیند؟" آنها به من گفتند: "خب کجا؟ هیچ جا! آنها جایی ندارند! آنها هیچ جایی برای تمرین ندارند!"

من به آنها گفتم که همه چیزهایی که می گویند را می فهمم. سپس به دستیارانم این وظیفه را دادم که مکانی را پیدا کنند که آنها هم انجام دادند. جایی پیدا کردیم و بعد حدود یک ماه بصورت مخفی تمرین کردیم. ما راه دیگری برای آماده شدن برای چنین رویداد مهمی که ممکن است تنها یک بار در زندگی مان اتفاق بیافتد، نداشتیم؟



مدال طلای پاریس

بعد چه شد؟ المپیک توکیو با قهرمانی به پایان رسید. شما ۱۲ سال است که در ژاپن زندگی و کار می کنید که زمان بسیار طولانی است. مرحله بعدی چیست؟ پاریس ۲۰۲۴؟

فدراسیون از من خواست که برای یک المپیک دیگر در ژاپن بمانم. من خودم نیز فکر می‌کنم که منطقی است که کارم را با المپیک پاریس در سال ۲۰۲۴ به پایان برسانم. علاوه بر این، زمان بسیار کمی باقی مانده است - کمتر از سه سال. در کمتر از ۲ سال، مسابقات گزینشی المپیک شروع می‌شود. من باید با آنها ملاقات کنم و باید برای یک قرارداد جدید مذاکره کنیم.



با این پیروزی آخری شما مربی متفاوتی شده اید. حالا شما مربی قهرمانان المپیک هستید، ضمن اینکه بقیه نتایج شما نیز شگفت انگیز است!

خوب، بله درست است. این اولین قهرمانی من در المپیک است، اما در طول پنج سال گذشته من با شمشیربازان اِپه خود نتایج بسیار عالی در ریدادهای مختلف در سراسر جهان داشته‌ام. ما تنها یک نتیجه خاص دیگر کم داریم، آن هم قهرمانی در مسابقات قهرمانی جهان است. ما تا به حال دو بار با اختلاف یک ضربه به مجارها و فرانسوی‌ها باختیم، و ورود به هشت تیم برتر را از دست دادیم، ضمن اینکه آن کارت سیاه آخرین فرصت واقعی برای قهرمانی ما بود که از دست دادیم. البته من قصد دارم با تیم کار کنم، زیرا در واقع دو سال دیگر باقی مانده و باید به زودی مسابقات گزینشی را آغاز کنیم.

من می‌دانم که ما در حال حاضر در اوج نشسته ایم، تیم اول رده بندی جهانی. ما قهرمان المپیک هستیم. پس از فرار گرفتن در چنین اوجی، وظیفه اصلی ما جلوگیری از سقوط است. شمشیربازی یک ورزش بزرگ است. ما شمشیربازان اِپه هستیم، جایی که رقابت زیادی در آن وجود دارد. همه کشورهای با این چالش روبرو هستند. سوئیس، فرانسه و ایتالیا یا روسیه همین‌طور. این یک روند عادی است. بنابراین، شما باید با رقابت‌های سخت معمول در جهان ارتباط برقرار کنید. امروز یک مسیری را طی می‌کنید، اما فردا راه شما ممکن است متفاوت باشد. اولین چیز مهم این است که همه چیز را همان‌طور که هست حفظ کنیم. مورد دوم که وظیفه جدید من می‌باشد این است که در اسرع وقت سه یا چهار نفر جدید برای تیم آماده کنم. در اینجا، من دو بازیکن جوان خوب دارم که یکیشان **کوماتو** و یک شمشیرباز دیگر هم دارم. آنها باید خیلی سریع به بالاترین سطح شمشیربازی جهان برسند.

کوماتو، می‌توانم بگویم که او از قبل آماده است. او در بین هشت نفر برتر کازان قرار داشت. او حتی یک بازی را به فرانسوی‌ها نباخت و همه آنها را برد. او خود را به عنوان یک بازیکن شاخص نشان داد. او در سوئیس نیز خود را به خوبی نشان داد. این بدان معناست که من به حداقل دو شمشیرباز دیگر برای حضور در پاریس ۲۰۲۴ نیاز دارم. به احتمال زیاد، مینوبه کنار خواهد رفت. او به من گفته است: "من هنوز می‌توانم!"، اما می‌دانم که این کار برایش سخت است. لازم است به دنبال جایگزین باشیم. **اویاما**، به احتمال زیاد نمی‌ماند، اما من با او در مورد وضعیتش

صحبت خواهیم کرد. این یکی از کارهای ناشناخته من است. من انتظار دارم که کانو و یامادا در تیم بمانند، اما همان طور که گفتم باید سطح شمشیربازان بعدی را به سرعت بالا ببرم تا آنها را به سطح رقابت های جهانی برسانم. اینها نگرانی های من هم در تیم و هم در سطح بین المللی است.



بیایید در مورد هدف بزرگ بعدی صحبت کنیم. حالا که یک مربی با این عنوان بالا هستید و طلای المپیک را در بانک دستاوردهای تان دارید، فکر می کنید کار با ورزشکاران و فدراسیون ژاپن برای تان راحت تر باشد؟ یا اینکه انتظار دارید که به دلیل خارجی بودن همچنان آن جریان نادرست سوء تفاهم و احتیاط را داشته باشید؟

البته الان راحت تر است. در تمام این مدت هیچ کس در فدراسیون واقعاً به ایه اعتقاد نداشت. من کارم را جدی گرفتم و قسم خوردم که از ایه دفاع کنم چون آنها فقط به فلوره و سابر پول تخصیص می دادند. پر واضح است که فدراسیون باید به آن سلاح ها اعتقاد داشته باشد. مدیران و رئیس فدراسیون سابق زمانی تنها با سابر کار می کردند، به طوری که تنها این سلاح مورد توجه آنها قرار گرفته بود. ایه نتایج آنچنانی نمی گرفت. در اکثر مسابقات، بهترین نتیجه تیم ایه تنها حضور در جدول ۱۶ بود و بهتر از این نتوانسته بود نتیجه بگیرد. بنابراین فدراسیون در ابتدا تمایلی به دادن بودجه به ما نداشت. من سعی کردم برای آنها توضیح دهم که من در بسیاری از بچه ها پتانسیل قهرمانی می بینم، و این نیاز به کار دارد. به آنها گفتم باید به همه فرصت بدهید.

گاهی اوقات می شنیدم که استدلال هایی از آنها مطرح می شد: "کار در ایه سخت است. در تورنمنت های سابر فقط ۱۵۰ نفر حضور دارند، در صورتی که شما در ایه ۳۰۰ نفر دارید. و گرفتن مدال برای شما سخت است." من به آنها گفتم که همه چیز را می فهمم، اما اگر به ما فرصت بدهید تا روی آن کار کنیم، شاید اتفاقی بیافتد.

ما کار کردیم و کار کردیم و همیشه معتقد بودم که می توانیم برنده بشویم! و زمانی که شمشیربازان ما در جام های جهانی، نه تنها مینوبه بلکه اوایاما نیز، شروع به کسب مدال کردند، آقایان فدراسیون هم بالاخره باور کردند. شمشیربازان ایه ژاپنی در تالین طلا و نقره گرفتند و خیلی ها شگفت زده شدند. آنها می گفتند: "چطور؟! ژاپن اول و دوم؟! مگر می شود!" سپس کانو شروع به گرفتن نتیجه کرد، دو بار سوم شد، سپس در کانادا قهرمان شد. ما برای اولین بار در بازی های آسیایی قهرمان شدیم. با این حال فدراسیون هنوز در مورد ما تردید داشت. وقتی ما آن بردها را کسب کردیم، هیچکس در فدراسیون چیزی نگفت. هیچکس حتی پیامک تبریک هم نفرستاد. رفتار آنها با ایه اینطوری بود. هنوز هم ما را باور ندارند.

حالا بالاخره همه چیز تغییر خواهد کرد. اکنون شما در ژاپن با قهرمانان کار می کنید.

قطعاً. از کمیته المپیک و فدراسیون تبریک های زیادی دریافت کردم. آنها اکنون با احترام زیادی به من نگاه می کنند، و رویکرد جالبی از خود نشان داده اند. ضمن اینکه مدیران موفق در ژاپن اغلب اوقات جایگزین می شوند. حتی پس از موفقیت در کار، آنها چرخه مدیریتی جدیدی را شروع می کنند که در آن مدیران کمیته و تیم را جایگزین می کنند. سپس افراد جدیدی وارد خواهند شد.

در ابتدا این سوال را مطرح کردم که چرا این کار را می کنند؟ وقتی این سطح از موفقیت را داشته باشید، شما به درک کافی از نیروهای خود رسیده اید و آنها را خوب می شناسید. شما اکنون همه چیز را در مورد هر کسی که با آنها کار می کنید می دانید. دلیل آن این است که سیستم در ژاپن برای دادن فرصت به جوانان راه اندازی شده است. ایدئولوژی این است که **پس از کسب نتایج خوب، کادر قدیمی ممکن است بنشیند و در باد آن نتایج استراحت کند.** افراد باتجربه قبلاً کار خود را انجام داده اند و دیگر نمی توانند تلاش بهتری بکنند. و معمولاً هر تازه وارد جوانی با قصد انتقام وارد می شود. این تفکر در همه چیز در آنجا حاکم است، نه فقط در ورزش. آنها نمی خواهند کسی آرام بنشیند، همیشه دوست دارند که همه سخت و سخت تر پیش بروند. جالب است، نه؟ افراد مسن کار دیگری پیدا می کنند، آنها هرگز نمی نشینند. آنها به سادگی به مکان های دیگر منتقل می شوند، مثلاً برای کار با تیم دیگری. ممکن است که در سطح المپیک باشد، اما در مکان دیگری. سپس همان تیم توسط جوان ها ارتقا پیدا می کنند، و این تناوب و تسلسل همچنان ادامه دارد.



این رویکرد بسیار جالب است. ما چیزی در مورد داخل سیستم و نحوه عملکرد آن نمی دانستیم زیرا ما فقط تیترهای اخبار را می بینیم و مسابقات را تماشا می کنیم. نتایج دقیقاً مشخص است، اما دیدن تصمیم گیری ها و دلایل و رای وقوع آنها دشوار است. همه چیز در این سیستم غیرشخصی است. هنگامی که شما با جزئیات بیشتری در مورد نحوه عملکرد سازمان با افراد، افکار آنها و استدلال های شان در مورد مربیگری صحبت کردید، این امکان را برای ما در خارج از کشور فراهم کردید که این چیزها را متفاوت ببینیم.

روند آموزش در ژاپن

جزئیات مربوط به کمک مربیان در ژاپن چیست؟ آنها چه کار می کنند - درس می دهند؟ یا روی آموزش متقاطع کار می کنند؟

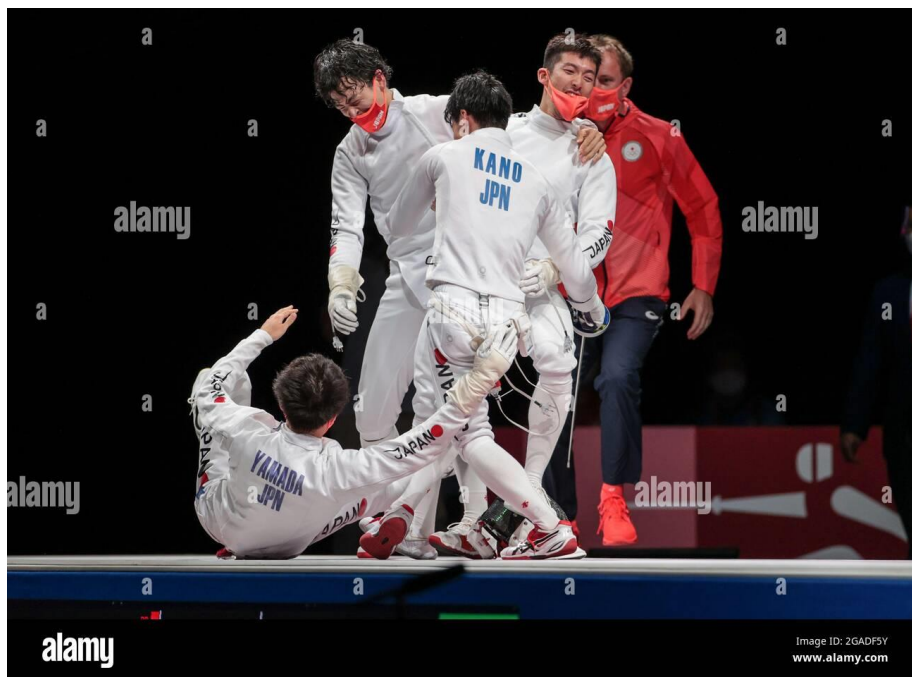
در دو ماه اول بعد از آمدن یکی از دستیارانم، سعی کردم به او یاد بدهم که فکر من می کنم چگونه باید به این سو یا آن سو حرکت کنیم. تکنیک ها، حرکات، اتک ها و تدارکات خاصی وجود دارد که دوست دارم بازیکنان در آنها تسلط پیدا کنند. من می خواهم آنها اینه را به روشی که

من نیاز دارم کار کنند. آنها باید بر اساس حرکاتی که من به آن نیاز دارم کار کنند، زیرا اینجا "مدرسه من" است، سیستم، روش‌های آموزشی و فلسفه شمشیربازی من است که در طول زندگی حرفه‌ام به آن رسیده و ساخته‌ام. سپس به آن‌ها می‌گویم: "خوب ۲۰٪ هم متعلق به ایده‌های شما است. لازم نیست که مانند ربات باشید."

به نظر من ژاپنی‌ها از این طرز فکر رنج می‌برند. آنها برای پیروی از یک الگوی کاملاً خاص و بدون تزلزل طراحی شده‌اند. من معتقدم آنچه شما از کسی یاد می‌گیرید فقط پایه کار را تشکیل می‌دهد. شما بدون دیدگاه و درک منحصر به فرد خود، نمی‌توانید یک مربی بزرگ شوید.

یک بار یکی از کمک مربیانم که نام نمی‌برم، برای یک دوره تکمیلی به مدت ۳ ماه به چین رفت. او توسط مربی بزرگ فرانسوی، **دانیل لوواو** آموزش دید. به نظر می‌رسید که او فکر می‌کرد که در این دوره تمام اسرار بزرگان فاش شده بود. اما من به او گفتم که در این دو سه ماه هیچکس تمام کارت‌هایش را رو نمی‌کند. حداکثر شما با برخی از اصول اولیه آموزش برمی‌گردید و تمام چیزهای زیادی در این زندگی بزرگ و وسیع وجود دارد. **ایده‌های تخصصی شمشیربازی سطح بالا در طول زندگی به وجود می‌آیند** و انباشته می‌شوند، و هیچ کس نمی‌تواند تنها در عرض چند ماه آن را به شما آموزش دهد.

وقتی دستیار مربی من با چیزی که در دو ماه به او نشان داده شده بود برگشت، او پنج سال بعد هم همین کار را می‌کرد. او با همه همین تمرینات را اجرا می‌کرد. او توانایی خود را برای ارائه چیزهای جدید توسعه نمی‌داد، او فقط به همه چیزهای مشابهی آموزش می‌داد. شاید این تکنیک‌ها مناسب یکی باشند، اما به درد همه نخورند. من هرگز به خاطر آن طرز فکر با آن دستیار کنار نیامدم.



من همیشه به دستیاران جدیدم می‌گویم: "شما باید ایده‌های خود را داشته باشید. شما بخشی از درس را همان طور که من نیاز دارم ارائه می‌کنید، اما می‌توانید **ایده‌های خود را نیز اضافه کنید**. هر چیزی که فکر می‌کنید در یک ده دقیقه اضافی لازم است. ایده‌های خود را به شمشیربازان ترجمه کنید تا آنها بتوانند آن را ببینند. من هم باید ببینم که شما در حال پیشرفت هستید، رشد خود را نشان دهید. علاوه بر این، من یک مربی کاملی نیستم. ممکن است گاهی و در بعضی لحظات اشتباه کنم. اگر به من کمک کنید رشد کنم، سپاسگزار خواهم بود، مخصوصاً وقتی اشتباهات من را از بیرون می‌بینید. این کار واقعاً برای من خوب است."

برای ژاپنی ها، این بسیار غیرعادی است. وقتی به آنها گفتم باید افکار خود را بکار ببرند، خیلی تعجب کردند! خیلی خوشحال بودند! آنها آن را پیشرو و شادی آور می دیدند. آنها احساس ارزشمندی می کردند. به آنها گفتم: "بله! شما می توانید ایده هایی نیز اضافه کنید. شما هم انسان هستید. من هم ممکن است اشتباه کنم." **دستیاران و کمک مریبان من احساس برابری با من می کنند** و به من اعتماد دارند، و از اینجاست که ما کارمان را شروع می کنیم.



یک ورزشکار حرفه ای در ژاپن چقدر تمرین می کند؟

خوب، بستگی به نوع ورزشکار حرفه ای دارد که شما در مورد آن صحبت می کنید. وقتی دانشجو هستند، روزی یک بار برای تمرین می آیند، اما هر روز نیست. اگر شمشیربازها قبلاً از دانشگاه فارغ التحصیل شده اند یا تازه فارغ التحصیل شده اند، می توانند به مناطق خود برگردند و دیگر با تیم ملی تمرین نمی کنند. سیستم شغلی پس از دانشگاه در ژاپن به این صورت عمل می کند: شما از دانشگاه فارغ التحصیل می شوید و باید فوراً شغلی پیدا کنید. دولت در درجه اول شغلی را در محل سکونت برای تان ترتیب می دهد. اگر منطقه خود را ترک کنید و سعی کنید به منطقه دیگری بروید، آنها در محل اصلی زندگی شما برای تان شغل پیدا می کنند. اما اگر بخواهید در شهر دیگری بمانید، بنابراین خودتان در مورد شغل تان تصمیم می گیرید.

فدراسیون و کمیته المپیک خیلی خوب کار می کنند. آنها برنامه های بسیار خوبی دارند که قبل از المپیک راه اندازی شده است. من همه ایه ایست هایی که قبلاً نتایجی کسب کرده اند را دارم. به عنوان مثال، کسانی که قهرمان ژاپن، یا بازی های دانشجویی، یا هرکسی که در عرصه های بین المللی موفق بوده است. کمیته المپیک به ما کمک می کند تا با اسپانسرها ارتباط برقرار کنیم. فدراسیون درخواست هایی را با نام مشخص ورزشکاران به کمیته المپیک ارسال می کند. آنها تعیین می کنند چه کسانی در چه سالی از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند، چه کسانی می خواهند و می توانند به طور بالقوه وارد تیم ملی شوند و در بازی های المپیک شرکت کنند.

کمیته المپیک جلسات جدی برای غربالگری نامزدها تشکیل می دهد. در این جلسات حدود ۲۰۰ رئیس و مدیر شرکت و بانک مختلف ژاپنی گرد هم می آیند. هر ورزشکاری از ورزش های مختلف به روی صحنه می رود و چیزی در مورد خودش می گوید: "من شمشیرباز، تنیسور یا ورزشکار هر رشته دیگری هستم. من می خواهم به المپیک بروم، و تا به حال این نتایج را داشته ام." همه آنها گوش می دهند، تجزیه و تحلیل می کنند و چیزی را می نویسند، و سپس دعوت نامه برای حمایت به آن ورزشکار فرستاده می شود.

این گونه بود که اوایاما میتسوبیسی را تحت تأثیر قرار داد و به او پیشنهاد حمایت مالی داده شد. گاهی اوقات چندین اسپانسر به طور همزمان علاقه مند می شوند، و این عالی است. برخی از ورزشکاران ممکن است سه نامه از شرکت های مختلف داشته باشند و بنابراین با در نظر گرفتن شرایط، یکی از پیشنهادات را انتخاب می کنند. اوایاما برای میتسوبیسی، کانو برای شرکت ژاپن ایرلاینز کار می کند. مینوبه توسط شرکت

بزرگ **Nexus** حمایت مالی می‌شود و برای آنها کار می‌کند، شرکتی که با دستگاه‌های سکه پذیر اتوماتیک در سراسر ژاپن کار می‌کند، و یک تجارت بسیار پرسود دارد. ژاپنی‌ها همه عاشق بازی هستند و این صنعت در آنجا پول زیادی به دست می‌آورد. به نظر می‌رسد که مینوبه برای این شرکت کار می‌کند. شرکت حقوق او را پرداخت می‌کند. یک نفر در یک بانک کار می‌کند، بقیه هم در سایر شرکت‌های دیگر.

آیا این ورزشکاران اسماً کار می‌کنند یا واقعاً مشغول به کار هستند؟

سوال جالبی است. در چنین شرکت‌های حامی، همه می‌فهمند که آمادگی برای المپیک به چه معناست، و ماهیت ورزشکاران حرفه ای چه هست. قطعاً این گونه ورزشکاران مورد حمایت و کمک قرار می‌گیرند. آنها هفته ای یک بار سر کار می‌روند و من ماهیت دقیق آن کار را نمی‌دانم. شاید جایی در دفتر می‌نشینند، یا کاری را انجام می‌دهند. بقیه زمان آنها درگیر تمرین، اردوهای تمرینی، و مسابقات هستند.

این خصوصیات یک ورزشکار حرفه ای در ژاپن است. بر خلاف روسیه، اوکراین، فرانسه، ایتالیا - آیا آنها در آن زمان عضو پلیس یا ارتش نیستند. آنها در شرکت‌های خصوصی که اسپانسر آنها هستند استخدام می‌شوند؟

اکثراً بله، اما ما ارتش و پلیس هم داریم. من ورزشکارانی دارم که در ارتش خدمت می‌کنند. یامادا، در ارتش است. اگرچه در ژاپن متأسفانه در ارتش دپارتمان شمشیربازی وجود ندارد، اما دپارتمان پنج گانه دارند. به آنها پیشنهاد داده شد که به دپارتمان پنج گانه بروند و اکنون حقوق آنها از آنجا پرداخت می‌شود. ارتش به آنها کمک می‌کند تا مسکن ارزان داشته باشند، و به آنها دستمزد می‌پردازند. ایتو، شمشیرباز جوانی که با او کار می‌کردم، به همراه چند ورزشکار دیگر در ارتش حضور داشت. چند ورزشکار جوان دیگر نیز در پلیس حضور دارند. شرایط قراردادهای فردی است به خصوص اگر فدراسیون درخواستی برای ورزشکاران کرده باشد. روسای وفادار زیادی هستند که این شرایط عالی را فراهم می‌کنند، پاداش می‌پردازند یا هزینه تجهیزات را به طور کامل یا جزئی پرداخت می‌کنند. شرکت‌ها شرایط متفاوتی دارند، اما راه بسیار خوبی برای حمایت و کمک به ورزشکاران دارند. این کار همچنین برای شرکت‌ها اعتبار به وجود می‌آورد.



بعد از اتمام دوران ورزشی برای ورزشکاران چه اتفاقی می‌افتد؟ واکنش شرکت‌های حامی به این موضوع چیست؟

شرکت‌های بزرگ ژاپنی **میتسوبیشی، نکسوس، جال** و غیره می‌توانند از عهده چنین حمایت‌هایی برای ترویج این ورزش برآیند. سپس آنها به ورزشکارانی که ورزش را ترک می‌کنند کمک می‌کنند تا حرفه خود ادامه دهند. این یکی از مشکلات بزرگ ورزش در سراسر جهان است. بعد از اینکه مسابقات المپیک تمام شد و ورزشکاران ورزش بزرگ ما را ترک می‌کنند، برای آنها چه کار می‌کنیم؟ به عنوان مثال، یک شمشیرباز در ۳۰ سالگی بازنشسته می‌شود یا شاید در اپه کمی بیشتر باشد، یعنی تا ۳۵-۴۰ سالگی. و وقتی زندگی در ورزش به پایان می‌رسد، آنگاه زندگی واقعی تازه شروع می‌شود.

در این زمان، در ژاپن شرکت های بزرگ حامی ورزشکاران خود را رها نمی کنند، بلکه شغل آنها را در شرکت خود تضمین می کنند. شما می توانید تا پایان زندگی در این شرکت کار کنید. چه کسی به قهرمانان المپیک افتخار نمی کند؟ این یک افتخار برای تمام زندگی است! وقتی چنین شرکت های خصوصی از ورزشکاران و ورزش کشور حمایت می کنند خیلی خوب است! کسب چنین موفقیت بزرگی برای کشور مایه افتخار و مباهات است. در صورت موفقیت، مانند تیم ملی شما، نام هایی مانند میتسوبیشی باعث افزایش احترام برای چنین ورزشکارانی می شود.

بله، شرکت های حامی در سراسر ژاپن گسترده شده اند - لوگوی تبلیغاتی آنها در مسابقات بسیار معتبر است.

خیلی ممنون برای این گفتگوی بسیار جالب! من مطمئن هستم که بسیاری از خوانندگان و طرفداران شما و همچنین طرفداران تیم ایه ژاپن این مصاحبه را الهام بخش و روشنگر خواهند یافت.

الکساندر، برای شما و تیم ستاره تان آرزوی موفقیت های بزرگ و فتح قله های بعدی می کنیم!



این مصاحبه طوری ویرایش شده است تا حجم آن قابل خواندن باشد و به سه قسمت تقسیم شده است. در بخش های ۱ و ۲ با مسیر رسیدن به مدال و چالش های پیش رو و تمرینات دشوار تیم ملی ایه ژاپن آشنا می شوید. هر سه بخش با تایید استاد الکساندر گورباچوک در این وبلاگ منتشر شده است.

باشگاه AFM از الکساندر گورباچوک، مربی تیم ایه آقایان ژاپن به خاطر در اختیار گذاشتن وقت گرانبهای خود و همچنین گشاده رویی اش بسیار سپاسگزار است. پاسخ های صریح و نظم قابل توجه او هم هیجان انگیز و هم الهام بخش است. ما از شما سپاسگزاریم مربی!

Igor Chirashnya